

فقط کمی صبر کند!

در شرایط حساس و خطیر، اداره‌کنندگان کشورها زمانی می‌توانند بهترین عملکرد را داشته باشند که حمایت و پشتیبانی مردم را داشته باشند. جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی روز جهانی قدس که جمعه گذشته در ایران برگزار شد، بهترین شاخص و معیار برای دانستن این است که مردم چه می‌خواهند. طبق اطلاعات دقیقی که به دست ما رسیده میزان مشارکت در این راهپیمایی ضدصهیونیستی «بی‌سابقه» بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، جعفر بلوری در یادداشتی نوشت: حدود یک هفته از حمله رژیم صهیونیستی به بخش کنسولی سفارت کشورمان در دمشق و شهادت تنی چند از فرماندهان و هموطنان عزیزمان می‌گذرد و بحث «انتقام بازدارنده» در این مدت، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که بین مسئولین، کارشناسان، رسانه‌ها و مردم عادی مطرح بوده است. در نخستین ساعات و روزهای وقوع این حماقت صهیونیستی، به دلیل حاکم بودن آن فضای خشم و غیرت بر جامعه، تقریباً هیچ کس جرات این را نداشت که در تحلیل این شرایط، نسخه «کوتاه آمدن» را برای مسئولین بیچند اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد رفته رفته صداهایی-هر چند اندک- از برخی رسانه‌های زنجیره‌ای بلند می‌شود که در لابه‌لای جملات و در پوشش «حفظ منافع ملی و ملاحظات اقتصادی» تلاش می‌کند، به شکلی مانع از انتقام و در نتیجه، تکرار این ترورها شوند! در این باره گفتی‌هایی هست:

۱- خیلی‌ها معتقدند، ترور سردار دل‌ها «قاسم سلیمانی»، شروع روندی است که امروز آن را به شکل ترور سردار زاهدی و حاجی رحیمی و... می‌بینیم. چند روز پس از ترور سردار سلیمانی، برخی از این جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای، در تریبون‌های رسمی اعلام کردند، باید برویم و با ترامپی که شخصاً مسئولیت این ترور را برعهده گرفته است، مذاکره کنیم. آنها حمله به عین‌الاسد را هم که تنها یک «سیلی» ابتدائی است، «کافی» دانستند و بعضاً حتی علیه آن موضع هم گرفتند. تا می‌توانستند با قلم و بالا و پایین کردن قیمت‌های ارز و سکه، تلاش کردند انتقامی از آمریکا گرفته نشود. هنوز هم تلاش می‌کنند، انتقام کامل سردار سلیمانی را که هنوز گرفته نشده، گرفته نشود. دقیقاً همین طیف یکی دو روزی است شروع کرده‌اند به جلوگیری از گرفتن انتقام این سرداران و مستشاران آن هم با ابزار «اقتصاد» و «خطر جنگ». به طور خلاصه، این طیف-که با دریافت آگهی‌های دولتی و بعضاً از همین سپاه‌سر پا هستند، می‌گویند، دشمن هر غلطی کرد، نباید پاسخ داد. ما فکر می‌کنیم، یکی از دلایل مهم تکرار این ترورها در کنار کافی نبودن آن سیلی، وجود همین موجودات در کشور است که زمانی مقامات رژیم صهیونیستی درباره آنها گفته بودند؛ بهترین سرمایه‌های اسرائیل در ایران هستند!

۲- طیف دومی هم دیده می‌شود که معتقدند، بلافاصله پس از حمله دشمن به ساختمان سفارت کشورمان در دمشق، باید تل‌آویو و حیفا و مراکز هسته‌ای و نظامی آن را آماج حملات موشکی و پهپادی قرار داد و نگران تبعات آن هم نبود. ما هم می‌دانیم موضع‌گیری این طیف از سر غیرت و وطن‌پرستی است اما معقول نیست چون هیجانی و احساسی است و احساس هم بعد از مدتی می‌خوابد. اما چه باید کرد؟

۳- به قطع و یقین باید انتقام گرفت، آن هم از نوع «غافلگیرکننده و بازدارنده». انتقام غافلگیرکننده و بازدارنده یعنی، انتقام با حساب و کتاب و سنجیدن همه شرایط. نباید بدون محاسبه و در نظر گرفتن همه جوانب، دل به دریا زد. این‌جا زمان هم مهم است. نباید این انتقام دیرگرفته شود. هرچه دیرتر کار سخت‌تر. شاید برای درک این موضوع، بهتر باشد از دریچه نگاه آن مسئولینی به موضع نگاه کنیم که اداره امور مربوطه در دستشان است. آن‌ها قطعاً از من و شما و هر کارشناس دور از گودی به امور واردترند و چم و خم کار را بهتر می‌دانند. هم واقعاً کارشناسان و هم اطلاعات و دانش کافی را در اختیار دارند. ما مطلع شدیم در این یک هفته‌ای که گذشت، با دقت و وسواس مشغول بررسی شرایط جهت یافتن بهترین راه برای گرفتن انتقام بوده‌اند. همین‌قدر سر بسته بگویم که انتقام حتمی، گسترده، پشیمان‌کننده و ان‌شاءالله بازدارنده خواهد بود. فقط کمی صبر کنید!

۴- گزارش‌هایی که از رسانه‌های عبری‌زبان و به صورت روزانه به بیرون درز می‌کند نشان می‌دهد، صهیونیست‌ها در شرایط بسیار پیچیده، سخت و بی‌سابقه‌ای هستند. تعداد این گزارش‌های رسمی آن‌قدر زیاد است که دنبال کردن همه آنها، سرگیجه می‌آورد! خلاصه و چکیده این گزارش‌ها این است که، اقتصاد این رژیم و میزان بدهی دولتی آن تاکنون به بدی این روزها نبوده است، ۵۰۰ هزار نفر برای همیشه به کشورهای خود بازگشته‌اند که بخش قابل توجهی از آنها نخبه و کارشناس و نیروهای کیفی هستند. اقتصاد، کشاورزی و صنعت گردشگری این رژیم در بسیاری از شهرها به صورت ۱۰۰ درصد نابود شده و شرایط در میادین جنگی نیز «افتضاح» است. عقب‌نشینی تمام نیروهای زمینی این رژیم از خان یونس خبر «بسیار» مهمی بود. شاید نتانیاگو گفته باشد این عقب‌نشینی برای حمله به رفح صورت گرفته است اما بسیاری از رسانه‌ها و کارشناسان این رژیم نظر دیگری دارند. آنها می‌گویند هدف اعلامی از حمله به خان یونس، کشتن محمد ضیف و یحیی سنوار، دو مهره اصلی و قدرتمند حماس و آزادی‌اُسرا بود. قرار هم بود طی دو ماه این اتفاق رخ دهد اما پس از ۴ ماه، عقب‌نشینی صورت گرفت در حالی که نه اسیری آزاد شد و نه این دو فرمانده بزرگ میدانی به شهادت رسیدند. راستی، از اُسرای صهیونیست چه خبر؟ مگر با قطعیت گفته نشده بود، آنها در خان یونس هستند؟! شرایط اجتماعی این رژیم هم که گفتن ندارد. این‌ها را گفتیم تا نتیجه بگیریم، علاوه بر انتقام سخت جمهوری اسلامی از صهیونیست‌ها، همین روند رژیم صهیونیستی را از پای درخواهد آورد.

۵- شایعه و اخبار دروغ، در شرایط خطیر و حساس است که تولید می‌شود؛ چون در چنین شرایطی باورپذیرترند. (رجوع شود به مبحث مهم «انگاره‌سازی» رسانه‌ای) همیشه هم این طور بوده که موازی با جنگ سخت، یک جنگ نرم و رسانه‌ای به راه می‌افتد که اهمیت آن کم از جنگ سخت نیست. صهیونیست‌ها که حمایت همه‌جانبه تمام دنیای غرب و برخی کشورهای ثروتمند عربی را دارند، تا این لحظه که مشغول خواندن این یادداشت هستید، در همه این میادین، قافیه را باخته‌اند. اما امید زیادی به جنگ نرم و رسانه‌ای دارند. آنچه روزنامه صهیونیستی جرورالم‌پست اخیراً منتشر کرده، دقیقاً ناظر به همین موضوع است. طبق گزارش این روزنامه عبری زبان، آنچه باعث شده ایران در این ۸ روز انتقام نگیرد، توافق پنهانی است که روز یکشنبه بین ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی در عمان صورت گرفته است! طبق این گزارش، رژیم صهیونیستی پذیرفته از غزه عقب‌نشینی کند در عوض

ایران انتقام نگیرد!) سرمایه‌های شیمون پرز در ایران نیز با دامن زدن به این دروغ بزرگ، تلاش می‌کنند قیمت ارز را کمی پایین بکشند. نوعی شرطی‌سازی و گره زدن انتقام از اسرائیل به معیشت مردم! الحق والانصاف شیمون پرز اگر در طول عمرش یک حرف راست درباره برخی از مدعیان اصلاحات زده باشد، همین جمله است!

۶- نکته مهمی که نباید هیچ ایرانی آن را فراموش کند این است که، حمله رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق، حمله به خاک ایران بود و این - به قول سید حسن نصرالله- بالاترین حد تجاوزگری است. کوتاه آمدن در برابر چنین تجاوزی، نه تنها باعث تکرار آن این بار در تهران خواهد شد بلکه در نتیجه جنگ اصلی یعنی جنگ غزه نیز اثرات مخربی خواهد داشت. صهیونیست‌ها جنگ غزه را باخته‌اند و تبعات این شکست، تکلیف مسائل زیادی را یک بار برای همیشه در منطقه، روشن خواهد کرد. حالا کمی به «پرت» بودن تحلیل‌های آن طیفی که می‌گویند، انتقام نگیرید فکر کنید.

۷- در شرایط حساس و خطیر، اداره‌کنندگان کشورها زمانی می‌توانند بهترین عملکرد را داشته باشند که حمایت و پشتیبانی مردم را داشته باشند. جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی روز جهانی قدس که جمعه گذشته در ایران برگزار شد، بهترین شاخص و معیار برای دانستن این است که، مردم چه می‌خواهند. طبق اطلاعات دقیقی که به دست ما رسیده میزان مشارکت در این راهپیمایی ضدصهیونیستی «بی‌سابقه» بود. این بی‌نظیر بودن یعنی همان پشتیبانی مردمی. طبق این اطلاعات، میانگین مشارکت در راهپیمایی امسال نسبت به سال گذشته در کل کشور ۴۰ درصد افزایش داشته است. در برخی شهرها مثل یزد این میزان، ۲۰۰ درصد، در مشهد ۱۰۰درصد، در خراسان شمالی و فارس هر کدام ۶۰ درصد و در تهران بین ۶۰ تا ۷۰درصد بوده است. همه این‌ها یعنی، شرایط برای پاسخ پشیمان‌کننده به صهیونیست‌ها مهیاست و نباید فریب غربگرایان در کشور را خورد. فقط کمی صبر باید کرد!